

روحانی مجروح حادثه متروی شهری:

امر به معروف نکردم، چون معمم بودم ضارب حمله کرد

مرد روحانی که در حمله خونین متروی شهری مجروح شده‌است، می‌گوید صدای فحاشی‌های ضارب را شنیده اما او را ندیده و امر به معروف هم نکرده است. ضارب در حالی که فحاشی می‌کرد، حجت‌الاسلام ذوالفقاری را به خاطر لباس روحانیت از پشت سر هدف حمله قرار داد تا اینکه به ضرب گلوله مجروح شد و سپس فوت کرد. به گزارش خبر نگار ما، ۲۴ ساعت از حادثه حمله شرور مسلح به سلاح سرد به یک روحانی و دو شهروند در متروی شهری گذشته است و هنوز روحانی مجروح خلیل ذوالفقاری وکیل پایه یک دادگستری، رئیس سابق شعبه هفتم دادگاه خانواده شهری و امام جماعت مسجد مرتضی‌علی محله «دیلمان» شهری در بخش ۵۱ سی یو بیمارستان هفتم‌تیر شهری تحت مراقبت‌های ویژه قرار دارد. به گفته رئیس بیمارستان هفتم‌تیر وضعیت جسمانی وی خوب است، اما هنوز نیاز به مراقبت‌های ویژه دارد. قبل از ظهر دیروز، پس از چند ساعت رازبانی با رئیس بیمارستان سرانجام موفق به ملاقات روحانی مجروح روی تخت بخش مراقبت‌های ویژه شدم. قرار شد به توصیه پزشک بخش، گفت‌وگو ی من با آقای ذوالفقاری زیاد طولانی نشود. به خاطر جراحات‌های وارده مخصوصاً گلو، حق حرکت از روی تخت را نداشت. روی تخت دراز کشیده بود و وقتی به او نزدیک شدم، سلام مرا با لبخند پاسخ داد. آقای ذوالفقاری به آرامی به سؤالات من پاسخ می‌داد و دی‌روز دربارهٔ روز حادثه گفت: لطفاتی قبل از حادثه وارد مترو شدم و روی خط زرد سکوی مسافران پشت به دیوار و رو به ریل قرار بود قطار ب‌ودم. صدای فحاشی و عریده‌کنشی به گوشم رسید. ثابیه‌های بعد از آن بود قطار برسد که ناگهان مردی با یکی از دستاش از پشت گلو ی مرا گرفت. من اصلاً چهره او را ندیدم و امر به معروف‌ش هم نکردم. در حالی که شو که شده بودم، مرد خشمگین با دست دیگرش شیء برنده‌ای شبیه کاتر به گلو ی کشید. گلو یم خونی شد و برای نجات جانم به هر طریقی بود، دستش را گلو یم جدا کردم که رو به‌روی هم قرار گرفتم. این بار ضارب با همان شیء برنده ضربه‌ای به طرف من پرتاب کرد که به صورت من اصابت کرد. صورت هم خونی شد.

■ قصد کشتن مراداشت که دو مرد جوان فرشته نجات من شدند

مرد شرور وقتی مرا در این حالت دید برای سومین بار کاترش را به طرف من پرتاب کرد که این بار با دستم کاتر را گرفتم. در حالی که کاتر دستم را به شدت بریده بود، هر دو یقه به یقه شدیم و متوجه نشدیم چطور هر دو ی ما به زمین افتادیم. ضارب قصد داشت دوباره به من ضربه بزند که دو مرد جوان فرشته‌نجات من شدند و به کمکم آمدند. دو مرد جوان یاو در گیر شدند و من در حالی که همه‌ی بدنم را خون گرفته بود، از دست او فرار کردم. خون زیادی از من خارج شده بود و ابتدا فکر کردم شاهرگم بریده شده، اما بعد متوجه شد خدا را شکر تیغ مرد شرور به شاهرگم نرسیده اما دستم را به صورت عمیق بریده است. وی ادامه داد: وقتی روی صندلی نشستم، خیلی بی‌حال بودم و چشמה‌ی‌م کار ندیده بود، اما متوجه شدم که مأموران پلیس به صحنه آمدند و با منتم در گیر شدند. او بایدین مأموران تسلیم نشدند و به هشدارهای آنها توهین می‌کرد و در حال عریده‌کنشی بود که صدای شلیک اسلحه به گوشم رسید. وی درباره علت حمله مرد شرور گفت:



سردار غیب‌پرور: ضارب از لباس روحانیت کینه داشت

صبح دیروز سردار غلامحسین غیب‌پرور، رئیس سازمان بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همراه هیئتی از روحانی زخمی حادثه متروی شهر ری در بیمارستان هفتم‌تیر ملاقات کردند. وی در حاشیه این ملاقات درباره حادثه به خبرنگار ما گفت: روحانیت و لباس مقدس روحانیت نماد مقدسی بوده که همواره به عنوان خاری در چشم دشمنان محسوب می‌شود. فردی که روز حادثه به این روحانی عزیز داخل مترو حمله کرد، به نظر می‌رسد از این لباس کینه‌ای داشته است. چون به گفته آقای ذوالفقاری اصلاً بحثی و حرفی بین آنها انجام نشده است. به صرف روحانی بودن حمله و این روحانی را زخمی می‌کند. وی ادامه داد: متأسفانه شاهد ناهنجاری‌هایی در سطح جامعه هستیم و مردم نیز این اتفاقات را دوست ندارند به طوری که در همین حادثه دو مرد جوان به کمک این روحانی می‌روند و با ضارب در گیر می‌شوند. روحانیت یک جایگاه خاصی دارد که همه ما باید شأن آن را رعایت کنیم، البته من از مردم تشکر می‌کنم، چون به گفته ذوالفقاری مردم و دو جوان به داد او رسیدند که اگر مردم نبودند معلوم نبود سرنوشت این روحانی چه می‌شد و این نشان دهنده این است که مردم شریف ما از حرکات مجرمان به شدت ناراحت هستند. وی با تشکر از مأموران پلیس در برخورد با این حادثه گفت: خوشبختانه مأموران پلیس بلافاصله و به موقع وقایع عمل کردند. وی درباره موضوع امر به معروف و پیشگیری از جرم گفت: در این موارد تنها یک دستگاه متولی نیست، بلکه قضیه امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همه مردم است، اما دستگاه‌های حاکمیتی وظیفه اصلی را به عهده دارند و این دستگاه‌ها باید موضوع را به عنوان یک موضوع جدی در دستور کار خود قرار دهند.

من او را امر به معروف نکردم و حتی صورت او را ندیدم مرد شرور به فرد دیگری حمله نکرد و بایدین من که معمم بودم، از پشت به من حمله کرد. او احتمالاً با لباس ما مشکل داشت و گرنه می‌توانست به افراد دیگر حمله کند. او حتی وقتی به من حمله کرد، شعارهایی مه داد. آقای ذوالفقاری افزود: بعد از حادثه من به اتاقی برندم، اما متأسفانه کمک‌های اولیه وجود نداشت که خیلی برای من

چه خواسته‌ای داشتید، گفت: ما همیشه در منبرهایمان مردم را به گذشت تشویق می‌کنیم و دین ما هم دین رحمانیت است و به همین دلیل دوست داشتم ضارب در مقابل مأموران پلیس مقاومت نمی‌کرد و کشته نمی‌شد و چنانچه زنده بود، حتماً از حق شخصی خودم گذشت می‌کردم. دوست داشتم او زنده می‌ماند تا از نزدیک شخصیت یک روحانی را بشناسد.

■ حرف‌های خانواده روحانی زخمی

پسر روحانی زخمی هم درباره حادثه به خبرنگار ما گفت: ۴ ساعت پس از گذشت حادثه از طریق سایت‌ها متوجه شدم پدرم در متروی شهری زخمی و به بیمارستان منتقل شده است. بلافاصله من و مادرم با تلفن پدرم تماس گرفتیم، اما کسی جواب نداد. خیلی نگران شدیم و به سرعت خودمان را به بیمارستان رساندیم که عمومیم را دیدم. او گفت خوشبختانه خطر رفع شده و پدرم در اتاق عمل است. وی ادامه داد: من از برخی سایت‌ها و گروه‌های تلگرامی گلايه دارم. پس از حادثه این گروه‌ها به شیعات زیادی درباره پدرم دامن زدند و بعضی از آنها اعلام کردند پدرم در بیمارستان فوت کرده‌است و حتی عکس جعلی منتشر کردند که باعث رنجش و نگرانی خانواده ما شد. خدا به پدرم رحم کرد و گرنه اگر چاقوی مر شرور کمی آنطرف‌تر می‌رفت، شاهرگ پدرم را زده بود. برادر مرد روحانی هم گفت: در محل کارم بودم که تلفنم زنگ خورد. برادرم پشت خط بود. او همیشه ابتدا سلام و احوالپرسی می‌کرد، اما این بار فقط گفت مرا با چاقو در مترو زده‌اند و از من خواست خودم را به او برسانم. بعد بلافاصله خودم را به بیمارستان هفتم‌تیر رساندم و حدود ۲۰ دقیقه بعد آمبولانس پیکر زخمی برادرم را به بیمارستان رساندند. وی با گلایه از سیستم امنیتی مترو گفت: تمام ایستگاه‌های مترو به سیستم دوربین‌های مداربسته مجهز است و این دوربین قرار است موارد خطر را سریع اعلام کنند تا از وقوع حادثه‌ای پیشگیری شود، اما انگار کسی سیستم‌های دوربین مداربسته مترو را کنترل نمی‌کند و مسئولی ندارد که حادثه را سریع اعلام کند. چون مرد شرور چند دقیقه‌ای در حال عریده‌کنشی بوده تا اینکه مأموران با خبر می‌شوند. وی در پایان گفت: من از مأموران پلیس تشکر می‌کنم که بلافاصله پس از اطلاع در محل حاضر شدند، اما متأسفانه شنیدم که مأمور پلیسی که در این حادثه به طرف شرور شلیک کرده قرار است برای بازجویی به دادرسا برود و مورد بازجویی قرار بگیرد. به نظر من این مأموران باید تشویق شوند تا اینکه توبیخ شوند.

■ حال عمومی مصدوم مساعد است

رئیس بیمارستان هم به خبرنگار ما گفت: پس از انتقال مصدوم تیم پزشکی بلافاصله وارد عمل شد و مصدوم ابتدا برای عمل جراحی به اتاق عمل منتقل کردند. خوشبختانه زخم گردن عمیق نبود و فقط زخم دست عمیق بود که در همان نخستین لحظات پزشکان موفق شدند جلوی خونریزی را بگیرند. وی ادامه داد: حال مصدوم مناسب است، اما به خاطر وضعیت زخم گلو و ملاقات‌کنندگان زیاد تصمیم گرفتیم وی در قسمت مراقبت‌های ویژه تحت درمان قرار بگیرد.

پزشک قلبی با پرداخت دیه از مرگ نجات یافت

به خاطر درگیری آن شب می‌خواهم به دیدنت بیایم. راضی نبودم، اما اوصار کرد. وقتی مقتول وارد خانه شد، یک‌شیشه مشروب دستش بود که تا نصفه خورده بود، به همین دلیل حال طبیعی نداشت، من هم کمی از مشروب خوردم و در حالی که کنارم نشسته بود، گفتم چرا با فلان مرد در ارتباطی؟ با این سؤال عصبانی شد و با هم در گیر شدیم. در آن درگیری از من پول در خواست کرد، اما مخالفت کردم. با این جواب به سمت چاقوی‌های دکوری روی این آشپزخانه رفت و یک چاقو به سمت من پرتاب کرد. صورتم که خونی شد، ترسید و فاصله گرفتم. به سمتش رفتم و او بار دیگر یک چاقو برداشت و به دستم زد.

منتم در خصوص قتل گفت: با لطمه به دستم نزدیک‌تر رفتم و دستش را چرخاندم. با این چرخش چاقو را به داخل کشمش فرو بردم. از آنجائیکه مشروب خورده بودم، در حال خودم نبودم و یک ضربه دیگر به او زدم. یک‌ریعر گذشت تا اینکه متوجه‌شدم، نفس نمی‌کشید. بعد از قتل به خانه‌م رانهدی رفتم تا همه داستان را تعریف کنم که او مرا از خانه بیرون کرد. بعد از آن بود که دوباره با خودروی ناهید به خانه برگشتم و جسد را روی صندلی عقب گذاشتم. در بلوار فردوس رها کردم.

در ادامه منتم در جواب هیئت قضایی در خصوص ورود او به خانه‌ناهدید در حالی که کلید خانه را داشت، گفت: قصد سرقت نداشتم و می‌خواستم ماجرا را برای مادر مقتول تعریف کنم. منتم در آخرین دفاعش گفت: در این مدت که زندان هستم، بارها همسرم در خواست طلاق داده است. پدر و مادرم را دوسال است، ندیدم چون این ماجرا آنها را زمین گیر کرده است. به خاطر هوای نفس آبرویی برابم نمانده و نمی‌توانم سرم را بالا بگیرم. خودم هم به خاطر فشارهای روحی دچار سرطان شدم. از اولیای دم می‌خواهم، مرا حلال کنند و از دادگاه در خواست تخفیف مجازات دارم. در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.



در حالی که پرونده در حال کامل شدن بود، اولیای دم با دریافت ۵۰ میلیون تومان از قصاص گذشت و به این ترتیب منتم به اتهام قتل مرد مرگ عتق، شرب خمر، سرقت گوشی و اتومبیل مقتول، زنا، محسنه و استفاده از تجهیزات استفاده از ماهواره، روانه زندان شد و پرونده برای رسیدگی از جنبه عمومی جرم به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجو شده است. روز گذشته پرونده روی میز هیئت قضایی به ریاست قاضی اصغرزاده و مستشار توکلی قرار گرفت. ابتدای جلسه اولیای دم بار دیگر اعلام رضایت کردند و در ادامه منتم در جایگاه حاضر شد و گفت: مدتی که از زمان سیغه گذشته، پنهان‌های ناهید را تعویض خودرواش شروع شد. او اصرار داشت خودرواش را عوض کنم، مدل بالاتری بخرم. این پنهان‌ها ادامه داشت تا اینکه وقتی از ارتباطش با افراد شکم او فرو رفت. ساعتی بعد از قتل بود که جسد را حوالی بلوار فردوس رها کردم. وقتی به خانه برگشتم، گوشی‌های مقتول روی میز بود که برداشتم. قصد داشتم سند خودرو را از منزل او بردارم که موفق نشدم.

قتل به خاطر شوخی کردن

شوخی کردن کارگران در کارگاه ضایعات، فرجامی جز قتل نداشت. منتم که بعد از حادثه از محل قرار کرده بود، سرانجام بازداشت شد و به جرمش اعتراف کرد. به گزارش خبرنگار ما، هشتم اسفندماه سال گذشته مردی ۲۹ ساله به نام مهدی، سسوار بر خودروی وانت خود وارد کارگاه، ضایعات پلاستیک در منطقه باقرشهر شد. مهدی از مدت‌ها قبل برای خرید و فروش ضایعات به این کارگاه می‌آمد. آن روز اسار در نبود مدیر کارگاه مهدی شروع به شوخی کردن با کارگران کرد. شوخی اما خیلی زود رنگ و بوی دعو ا به خود گرفت. با شدت گرفتن دعو ا مهدی دست به چاقو برد و زمانی که یکی از کارگران را مقابل خودش دید، او را با ضربه چاقو هدف قرار داد و او محل گرفت. به تماس کارگران با

پزشک قلبی که متهم است به چند زن تعرض کرده‌است و یکی از آنها را به قتل رسانده است یا جلب رضایت اولیای دم روز گذشته محاکمه شد و به زودی به جامعه باز می‌گردد. به گزارش خبرنگار ما، هجدهم آبان ماه سال ۹۶، مأموران کلانتری ۱۰۳ گانسی از نایدپدشدن ناگهانی زن ۳۵ ساله‌ای به نام ناهیدبا خبر شدند. مادر ناهید گفت: دخترم در شمال تهران آرایشگاه داشت. بعد از جدایی از شوهرش خانه‌ای اجاره کرد و تنها زندگی می‌کرد. شب قبل خانه او بود که یک نفر تماس گرفت و ساعتی بعد ناهید به پنهان ملاقات با پزشک‌دارو ساز از خانه خارج شد. نیمه‌های شب بود که در آ پا رتمان باز شد. فکر کردم ناهید است، اما با مرد ناشناسی روبه‌رو شدم. آن مرد مدعی بود دوست ناهید است و دنبال سند خودروی ۲۰۶ دخترم آمده‌است. علتش را که پرسیدم، گفت مأموران راهنمایی‌راندگی خودروی ناهید را متوقف کرده‌اند. به حرف‌های مشکوک شدم و او را از خانه بیرون کردم. حالا یک‌هفته از آن شب گذشته است و از دخترم بی‌خبرم.

به دنبال این اظهارات تلاش برای پیدا کردن زن جوان آغاز شد تا اینکه مأموران پلیس جسد ناهید را حوالی بلوار فردوس در حالی که در صندوق عقب ۲۰۶ جاسازی شده بود، پیدا کردند. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی مشخص شد، زن جوان بر اثر ضربه‌های چاقو کشته شده است. بنابراین پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل شد و مأموران در تحقیقات خود مرد ناشناس را به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار دادند. یکسال از این ماجرا گذشت تا اینکه پلیس توانست از طریق ردیابی تلفن همراه مقتول مرد ۴۰ ساله که میلاد نام داشت را بازداشت کند. بعد از دستگیری منتم یکی از کارکنان داروخانه‌ای که میلاد آنجا کار می‌کرد، گفت: میلاد دیپلمه بود با این حال اصرار داشت تا او را به عنوان پزشک داروساز معرفی کنیم. ما هم به اصرار او این کار را کردیم تا اینکه متوجه شدیم، او یک

دعوای خونین برادر زن در نزاع شبانه



دعوای شبانه مردی میانسال با برادرش با پایان خونینی را رقم زد. منتم که مردی ۴۲ ساله به نام تقی است، ادعا می‌کند که فحاشی کردن مقتول انگیزه‌ای برای قتل شده است. به گزارش خبر نگار ما، ساعت ۲۶ روز شنبه، ۲۴ تیرماه مأموران کلانتری ۱۱۲ اوبسعدی در جریان یک نزاع در خیابان مرتضوی با خبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که دعوای بین مردی ۴۰ ساله به نام ابوالفضل و برادرزن ۴۲ ساله‌اش تقی رقم خورده است که با میانجیگری مأموران پلیس دعو ا تمام شد. مأموران کلانتری در راه بازگشت به محل کارشان بودند که به آنها خبر رسید ابوالفضل و تقی دوباره در گیر شده‌اند. این بار وقتی مأموران کلانتری به محل رسیدند، معلوم شد که ابوالفضل با ضربه چاقوی تقی زخمی شده است که به بیمارستان منتقل شد. مأموران پلیس هم تقی را بازداشت و به کلانتری منتقل کردند. بررسی‌ها در این باره جریان داشت تا اینکه خبر رسید ابوالفضل به علت شدت جراحت روی تخت بیمارستان فوت شده است، با تأیید خبر، قاضی مدبر روستا، با پرس ویز و قتل‌های همراه تیمی از کاراگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حاضر و پرونده با موضوع قتل تشکیل شد. تقی وقتی مورد تحقیق قرار گرفت، گفت: بعد از تمام شدن دعو ا بود که ابوالفضل شروع به فحاشی کرد. من هم عصبانی شدم و با چاقو به او حمله کردم و ضربه‌ای به سینه‌اش زدم که منجر به مرگش شد.

منتم در شرح ماجرا گفت: من پیمانکار ساختمان هستم و وضع مالی خوبی دارم. از مدت‌ها قبل با همسرم اختلاف داشتم. او همیشه به جای توجه به من و دو فرزندم، مدام به خانواده خودش اهمیت می‌داد، در حالی که من به همسرم اعتماد داشتم تا جایی که ۲۷۰ میلیون تومان به او پول داده بودم تا در حسابش پس‌انداز کند تا اینکه متوجه شدم، پول را به خانواده‌اش داده است. وقتی از ماجرا با خبر شدم، عصبانی شدم و او به حالت قهر به خانه پدرش رفت. سعی کردم او را به خانه برگردانم که دو برادرش با من در گیر شدند. شب حادثه پلیس میانجیگری کرد و دعو ا تمام شد، اما برادرانش دست بردار نبودند و این بار همراه دوستانشان به در خانه آمدند. من هم چاقویی برداشتم و به دم در رفتم تا ترسناکشان. آن‌ها به سمت من هجوم آوردند که چاقو به سینه‌اش برخورد کرد. من اصلاً قصد قتل نداشتم. سرهنگ کاراگاه حمید مکرّم، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات از منتم در اداره دهم پلیس آگاهی تهران در جریان است.

ضرورت برداشتن گام‌های عملی برای حمایت از کودکان

جامعه هنوز داغ پروانه ۱۰ ساله از شیراز و ستایش پنج ساله را فراموش نکرده بود که مرگ فجیع آنها هفت ساله غمی بر دل جامعه گذاشت. قبل از ورود به بحث باید گفت که اظهار نظر افراد غیر کارشناس با فائد صلاحیت تخصصی در اینگونه موارد فقط باعث افزایش تنش فکری و اضطراب توج اجتماعی در جامعه می‌شود، بنابراین اصحاب رسانه باید در انعکاس نظرات بسیار دقت کنند. در آسیب‌شناسی این حادثه مجموعه‌ای از عوامل از خانواده تا شرایط فرهنگی و اجتماعی و موارد دیگر باید در نظر گرفته شوند. خانواده‌ها باید از همراه کردن زیورآلات طلا به کودکان خود خودداری و به تذکرات پلیس و نهادهای انتظامی توجه کنند. پوششیدن لباس‌های غیرمنطقی و نامتعارف به کودکان باعث جلب توجه مجرمان جنسی‌شده و آنها را تحریک می‌کند و از همین رو باید در این زمینه نیز توجه لازم صورت پذیرد. ممکن است عده‌ای بگویند آنها کودک کی هفت ساله بوده است، اما در پاسخ به این افراد باید گفت وقتی منحرفان جنسی از حیوانات چشمپوشی نمی‌کنند، اینگونه کودکان طعمه مناسبی برای آنها هستند.

متأسفانه برخی مادران خواسته‌های خود را در فرزندن جبران می‌کنند و این رفتار باعث بروز بعضی از آسیب‌های رفتاری در کودکان مخصوصاً در سنین رشد می‌گردد. در کنار خانواده، نهادهای فرهنگی و سازمان‌های متولی باید به این نکات توجه کنند. آشنا از بیکاری و برای جلوگیری از سر رفتن حوصله به همراه پدر به دستفروشی می‌رفته است، اگر امکانات آموزشی رفاهی برای اوقات فراغت کودکان به صورت رایگان یا از رایقیمت وجود داشت، همه وقت یک دختر هفت ساله مجبور به آمدن با پدر نمی‌شد. فرد جانی یک بیمار جنسی و قبلاً نیز سواستی در این زمینه داشته‌است، چرا باید یک جانی اینگونه در جامعه رها باشد؟ نظارت و کنترل اینگونه افراد می‌تواند ضامن سلامت جامعه مخصوصاً کودکان و نوجوانان شود. در نهایت اظهار نظر به صورت تک محوری کاری اشتباه است و باید صاحبانظران و همچنین قانونگذاران در زمینه تهیه و تصویب قوانین حمایتی مخصوصاً حمایت از کودکان گام‌های عملی و مؤثر بردارند. امیدواریم این حادثه تلخ هیچ وکت را تکرار نشود.

*** پژوهشگر و آسیب‌شناس اجتماعی**

سقوط مرگبار لودر به دره

سقوط یک‌دستگاه لودر در یکی از روستاهای شهرستان پش‌اگرد دو کشته بر جای گذاشت. این حادثه دو روز قبل در مسیر روستای شهو رخ این شهرستان اتفاق افتاد. بررسی‌ها نشان داد که لودر برای بازگشایی مسیر برق‌رسانی روستای شهو رخ مشغول کار بود که به علت کوهستانی بودن منطقه، نامناسب بودن مسیر به دره سقوط کرد که در جریان آن راننده و پیمانکار جان خود را از دست دادند.

کشف تریاک از بطری آب معدنی

یک محموله تریاک از داخل بطری‌های آب معدنی جاسازی شده داخل یک کامیون در استان البرز کشف شد. سردار کامرانی صالح، فرمانده انتظامی استان البرز گفت: مأموران پلیس کرج در بازرسی از یک کامیون که از شرق کشور راهی تهران بود، ۵۱ بطری آب‌معدنی حاوی تریاک به وزن ۱۰۳ کیلو و ۵۰۰ گرم که به طر زماهرانه‌ای در قسمت باک خودرو جاسازی شده بود، کشف کرده و راننده را که از قاچاقچیان موادمخدر بود، بازداشت کردند. وی گفت: تحقیقات در این باره ادامه دارد.

معاینه محل

معاینه محل عبارت است از حضور قاضی دادگاه یا نماینده او در محل مورد اختلاف و انعکاس شرایط و اوضاع موجود در پرونده تا به اتخاذ تصمیم کمک کند. در واقع معاینه محل وسیله‌ای است که قاضی با مشاهده مستقیم وضع محل و با وجود سایر دلایلی که در پرونده است یا به تنهایی می‌تواند واقعیت را مشخص کند یا به آن نزدیک شود. چه بسا از طریق معاینه محل، امارات قضایی و نشانه‌هایی در اختیار قاضی قرار بگیرد و بر اساس آن حکم صادر کند. معاینه محل نیاز به صدور قرار قبلی دادگاه دارد. دادگاه این قرار را به درخواست یکی از اصحاب دعوی یا به نظر خود صادر می‌کند. در بیشتر اوقات معاینه محل در مواردی است که دعوی در مورد اموال غیرمنقول باشد، مثل دعوی مالک و مستأجر، اختلاف در حدود ملک و... در قرار معاینه محل موضوع وقت معاینه باید ذکر شود. مثلاً در دعوای تصرف، شاکعی مدعی است که فرد مقابل با ایجاد بنا و حفر چاه در زمین او تصرف کرده، بنابراین به خواهان معاینه محل می‌شود تا دادگاه تصرات انجام شده را ملاحظه کند. گاهی اوقات نیز معاینه محل نیاز به تحقیق و اخذ نظر کارشناسی دارد. نکته دیگر اینکه عدم حضور طرفین دعوی پس از ابلاغ وقت معاینه محل، مانع انجام تحقیقات نیست ولی به هر حال معاینه محل باید در جلساتی که به این منظور تشکیل می‌شود، خوانده نشود تا اگر طرفین دعوی توضیحی دارند، بدهند و اگر در مورد معاینه غایب بوده‌اند، اعتراضات خود را بگویند.

